

طراح و معمار پارک‌های معروف تهران که از نقاشان معاصر کشورمان هم هست، مدتی است که برای طراحی پارک‌های جدید به بن بست خورده‌است. می‌گوید: تهران آب ندارد. او خلاقیت را جایگزین ماندن در این شرایط کرده‌است و پارک‌هایی که طراحی کرده و قرار بوده زمانی عملیاتی شود را در تابلوهایش به تصویر می‌کشد. یک شب مانده بود به شب جلسه. هوا بارانی و تهران ترافیک. ساعت‌ها در انتظار رسیدن به منزل «نقاشی بهشت» بودیم. اما پس از رسیدن به مقصد و وارد شدن به منزل حسین محجوبی، فضای دل انگیزی پیش می‌آید. قرار گرفت که از همان بدو ورود، خستگی را فراموش کردیم و درگیر تابلوها و آثار هنری شدیم؛ مثال بازدیدکننده‌ای که به تماشای یک موزه رفته باشد!

ورود به منزل محجوبی تنها فرصتی گذرا را برای تماشای فضا در اختیارمان گذاشت. پس باید ندان بر جگر می‌گذاشتیم، کنج‌کاوی مان را کنترل می‌کردیم تا در فرصتی مقتضی از آثار هنری فراوانی که از پشت یک ورودی روی دیوار نصب شده و هر لحظه ما را فرا می‌خواندند، بازدید کنیم. همراه با مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشگوست و همراهانش بر سر میز پذیرایی نشستیم که استاد محجوبی برای مهمانان خود آماده کرده بود. هنرمندی که سالیان دراز است قلمو و بومش طرحی جز طبیعت را نمی‌شناسد و اکنون با محاسن سفید با مهمانان خود به گپ و گفت نشسته است. محجوبی پس از مدتی از تخریب فضای طبیعی ایران صحبت می‌کند و می‌گوید که «امروز حتی مازندران را هم نابود کرده‌اند و نمی‌دانند که چه می‌کنند. دیگر جای طبیعی



نمایش «نخنما خانم» نوشته سنجاد طهماسبی با طراحی، دراماتوزی و کارگردانی مجتبی شجاعی‌زاده از ۲۸ آذر ساعت ۱۹:۳۰ در سالن استاد جمشید لایق تالار محراب روی صحنه است و ملینا قدیمی در این نمایش بازی می‌کند.مجتبی شجاعی در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره جذابیت‌های انتخاب و اجرای نمایشنامه «نخ نما خانم» گفت: این نمایشنامه اقتباسی از «یرما» اثر فدریکو گارسیا لورکا است. آنچه من را مجاب کرد این کار ر پیش برم، مقوله زیر پا گذاشتن حق و حقوق

نمایش «نخنما خانم» نوشته سنجاد طهماسبی با طراحی، دراماتوزی و کارگردانی مجتبی شجاعی‌زاده از ۲۸ آذر ساعت ۱۹:۳۰ در سالن استاد جمشید لایق تالار محراب روی صحنه است و ملینا قدیمی در این نمایش بازی می‌کند.مجتبی شجاعی در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره جذابیت‌های انتخاب و اجرای نمایشنامه «نخ نما خانم» گفت: این نمایشنامه اقتباسی از «یرما» اثر فدریکو گارسیا لورکا است. آنچه من را مجاب کرد این کار ر پیش برم، مقوله زیر پا گذاشتن حق و حقوق

میکل آنجلو مریشی دا کاراواجو است، هر چند به نام خوزه دی‌ریبیرا. نقاش قرن هفدهمی اسپانیا وارد حراجی شده و در آستانه چکش خوردن بود. مدبران موزه معتبر برادو در مادرید که درباره اعتبار نقاشی منسوب به دی‌ریبیرا هشدار داده بودند، حالا معتقدند مدارک و اسناد کافی برای انتساب تابلو صحنه شلاق خوردن حضرت مسیح به کاراواجو در دست هست و ارزش این نقاشی حدود ۴۰۰ ساله ۵۰ میلیون یورو هم برآورد شده؛ نزدیک ۴۰ برابر ارزش ابتدایی! مقام‌های رسمی دولت محلی مادرید اواخر هفته گذشته اعلام کردند این تابلو «کالای ارزشمند فرهنگی» است و نمی‌توان آن را به نام هنرمندان گمنام به فروش رساند. به گفته کارشناسان هنری، نشانه‌هایی چون واقعگرایی هنرمندانه در کشیدن چهره‌ها، فضای روانشناسانه موجود در صحنه و شخصیت‌ها، چهره و بدن درخشان عیسی مسیح و البته شیوه ارتباط برقرار کردن بیننده همگی حکایت از آن دارند که این تابلو از آثار یک هنرمند بزرگ و بنام است. کاراواجو که سالال ۱۶۱۰ در ۳۸ سالگی از دنیا رفت، تأثیری شگرف بر نقاشان و هنرمندان مکتب ناتوراالیسم یا طبیعت‌گرایی قرن هفدهم اسپانیا و مادرید داشت. شرایط حفاظت‌شده تابلو به این معنی است که بدون توجه به خالق اصلی، مالکان نقاشی نمی‌توانند بدون اجازه مقام‌های رسمی اسپانیا آن را در حراجی‌ها عرضه کنند یا به پیشنهادهی خرید جایگزین یا به فروش آن بپردازند. سسه فرزند آنتونیو پرز دی‌کاسترو، بنیانگذار یکی از مدارس طراحی مادرید و هنرمندی به نام مرسدس مندس اتارد حق فروش تابلو منسوب به کاراواجو را در دست دارند و باید برای سرنوشت آن تصمیم بگیرند.

امیر اسفندیاری:

عضویت جشنواره جهانی فیلم در فیافف دستاوردی برای ایران است

امیر اسفندیاری معاون دبیر سی‌وهشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر و مدیر سابق بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی درباره ادغام جشنواره‌های جهانی و ملی فیلم فجر به هنرآنلاین گفت: چند سال قبل وقتی جشنواره‌های جهانی و ملی از هم جدا شدند، من از اولین کسانی بودم که نسبت به این اتفاق انتقاد کردم. چرا که کارشناسی دقیق درباره موضوع نشده بود. به هر حال زمانی این دو جشنواره با هم برگزار می‌شد و مسئولی و نقایصی داشت اما در دوره اول جدایی، این نقایص برطرف نشده بود و هنوز فیلم‌های خارجی دیده نمی‌شد.

وی افزود: با وجود همه این موارد در این چند دوره که جشنواره جهانی جداگانه برگزار شد، رشد بسیار خوبی کرد و توانست به فهرست فیایف که تنها ۱۵ جشنواره درجه یک و مطرح جهان در آن حضور دارند راه پیدا کند. این اتفاق برای سده‌های گذشته زمان برگزاری ایران و برای ایران است. طبیعتاً اگر قرار باشد

دیدار با حسین محجوبی، معمار پارک ساعی و نقاش معاصر

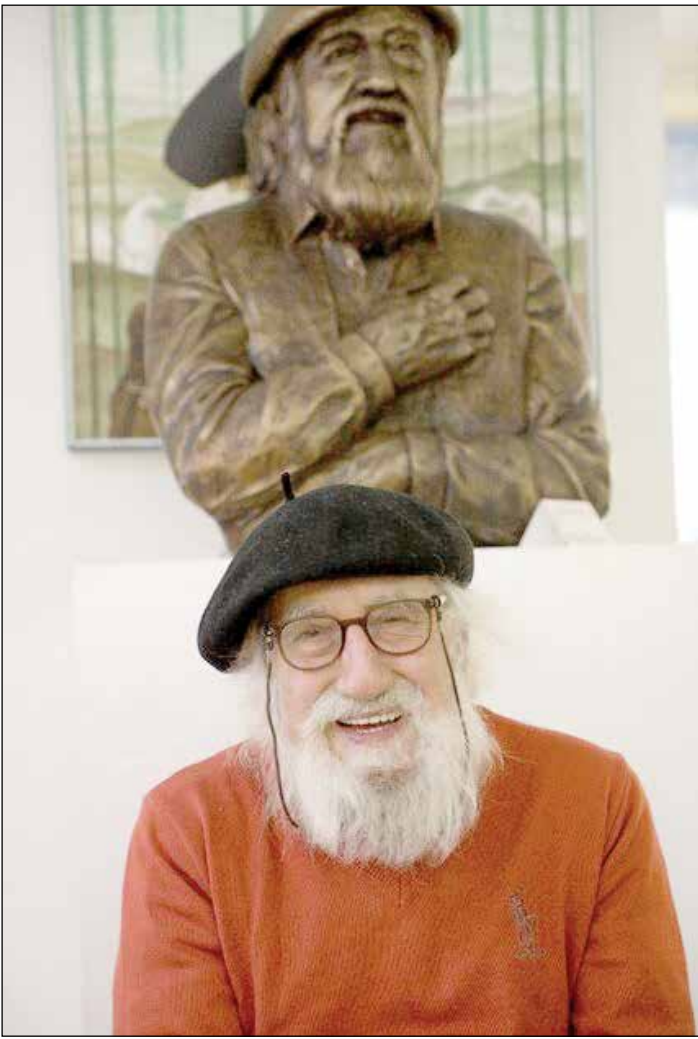
ساخت پارک‌های جدید برای تهران روی بوم نقاشی!

هم پیدا نمی‌شود و همه چیز ماشینی شده است، در گذشته با چای‌ای که می‌خوردیم واقعا مست می‌شدیم. آن چای واقعا عطر و رنگ خوبی داشت.»

منزل حسین محجوبی به یک موزه می‌ماند. خود او نیز با شوخ طبعی از بی‌توجهی شهرداری و بدقولی‌هایش درباره تبدیل آن به یک موزه می‌گوید و در گفت‌وگویی با ایسنا ادامه می‌دهد: تنها آرزویی که در سینه دارم راه‌اندازی موزام است و اصلا وصیت کرده‌ام که پس از فوتم فرزندانم اینجا را به یک موزه تبدیل کنند. من از سالل ۱۳۵۳ در این خانه هستم و میزبان چهره‌های فرهنگی مهمی مثل احمد شاملو، بهبهانی، مشیری و … بوده‌ام. بارها مسئولان شهرداری به خانه ما آمدند و حتی در بار آخر صورت جلسه هم کردند ولی همچنان هیچ اتفاقی در این زمینه نیفتاده است. آخرین بار قرار شد ملک را به قیمت روز بخرند که ملک در اختیار شهرداری باشد و حدود ۶اثر مرا نیز که مربوط به دوره‌های مختلف است خریداری کنند که به همراه بخشی از وسایل شخصی من در محل موزه به نمایش بگذارند. ولی گویی برایشان اهمیتی ندارد.

«همین الان اینجا را ۵۰ میلیارد می‌خرند ولی اگر بغروشم پس فرهنگ این مملکت را چه کسی می‌خواهد نگه دارد؟ این وظیفه شهرداری است که این کار را برای اهالی مطرح فرهنگ و هنر کشور انجام دهد. این اتفاق برای چهره‌های هنری کشورهای مختلف افتاده است و دولت‌ها از همین موزه‌ها، درآمدهای

توریستی کسب می‌کنند. وقتی از لاهیجان به تهران آمدم ۱۰ ـ ۲۰ سال تنها زندگی می‌کردم. آن زمان شغلی



پیدا کرده بودم که ۸۰۰ تومان حقوقم بود و بخشی از آن را پس انداز می‌کردم تا اینکه در آرایشگر منزلی خریدم و در سال ۵۳ اینجا را با دو میلیون تومان خریدم.»

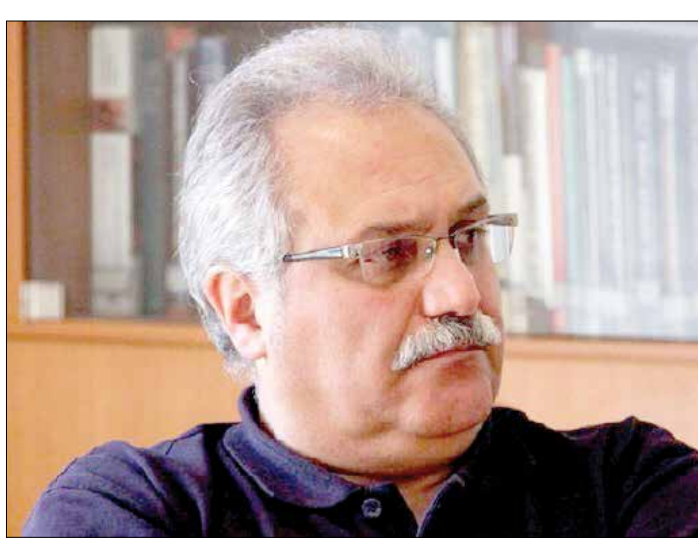
پس از این صحبت‌ها، محجوبی کتابی از آثارش را مسی آورد و در هر صفحه که یکی از خلخش توضیح می‌داد. مدتی بعد تصمیم گرفتیم درباره وضعیت نا به سامان معماری شهر تهران صحبت کنیم و نظر طراح و معمار پارک ساعی تهران را جویا بشویم. محجوبی علاوه بر پارک ساعی، مسئولیت نظارت بر اجرای ساخت پارک‌های ملت، نیاوران، لاله، جمشیدیه و … را هم عهده دار بوده است. او می‌گوید: «من ۷۱ سال است در این شهرم. تهران زشت شده است و این را قبلاً به آقای قالیباف هم‌گفتم. تمام آب تهران در سه مسیر جریان دارد ولی آنقدر اکنون جمعیتش زیاد شده که با مقایسه جمعیت و ظرفیت آب آن، به یک جنایت می‌رسیم. کاری نمی‌شود برای تهران کرد.»

پایخ می‌دهد: قرار بود از چیتگر تا لولاسان درخت کاری شود؛ تحت عنوان کمربند سبز ولی وقتی کار را شروع کردیم دیدیم که آب

محجوبی حرف‌هایش را اینگونه پایان می‌دهد: چون در تهران آب نداریم نمی‌شود کار خاصی کرد و خودمان با دست خودمان زمین‌هایمان را خفه کرده‌ایم. ولی با اینکه نشد این ایده‌ها را در حقیقت پیاده کنیم، در آثارم مثلاً «هفت باغ ایرانی» آنها را به تصویر کشیدم.

به خود می‌گیرند. دو قالب دیگر اجرا که نمود پیدا می‌کند استفاده از (کهن الگوها یا ارکی‌تایپ‌هاست).

شجاعی در ادامه افزود: استفاده از واژه‌های «انیمآ و انیموس» که شکل اجرا را به سمت از خود گسیختگی و مایخولیایی پیش می‌برد. استفاده از «انیمآ یعنی بخش مردانگی هر زن باعث می‌شود شخصیت زن نمایش دچار چندگانگی در شکل و اجرای خود شود. دیگر قالب اجرا که نمود پیدا می‌کند استفاده از تکنیک «یپگانه‌سازی» برشت است که شکل اجرا را به سمت نقلی و پرده‌خوانی می‌کشاند. در حقیقت شکل اجرا، رئالیستی و شبه رئالیستی است. او درباره ویژگی‌های نمایش «نخ نما خانم» عنوان کرد: ویژگی منحصرفرد این کار قالب‌های چندگونه اجرایی این نمایش ست. این شکل باعث می‌شود نمایش از تک بعدی و روایت خطی دور بماند و هر لحظه با گونه‌ای از اجرا مواجه بشویم که تماشاگر را در لحظه غافلگیر می‌کند. دیگر ویژگی و باعث می‌شود اجرا جذاب بنظر برسد خالی



سال گذشته با توجه به شرایط کرونا، زمان جشنواره از اردیبهشت به خرداد تغییر کرد و مورد تأیید فیایف قرار گرفت.

ایسن مدیر سینمایی در بخش پائینی صحبت‌هایش با بیان اینکه از ابتدا با برگزاری جشنواره در اردیبهشت موافق نبوده و این را اعلام می‌کرد. وی پس از دیدن جشنواره شدن جشنواره جهانی گفت: چند زمان خالی

اخبار کوتاه

حراج اثر ناتمام مجسمه‌ساز مشهور



یکی از مجسمه‌هایی که توسط «لوگوست رودن» مجسمه‌ساز نامدار خلق شده است در یک حراجی به فروش گذاشته می‌شود. به گزارش ایسنا و به نقل از نیویورک‌تایمز، مجسمه برنزی مادری که فرزند در حال مرگش را در آغوش گرفته است و توسط «لوگوست رودن» مجسمه‌ساز نامدار فرانسوی و خالق «اندیشه‌گر» خلق شده است، در بیست و دوم فوریه راهی حراجی «فری‌من»

می‌شود. این مجسمه حدود نیم قرن در یک گورستان واقع در «ویرجینیا» بر وی یک سسکو قرار داشته است. نوادگان «الیزابت مریل»، زن سوگاری که توسط «رودن» به تصویر کشیده شده است، این مجسمه را برای جلوگیری از ربهود شدن از گورستان برداشته‌اند. با اینکه در برخی از گورستان‌ها نوادگان اجازه دارند نشان‌های مربوط به اجدادشان را حذف کنند اما کارشناسان حذف مجسمه «رودن» را امری عادی تلقی نکردند و این مسئله را یادآور شدند که بسیاری از مجسمه‌های مهم پس از گورستان از اماکن عمومی سر درمی‌آورند و در مجموعه‌های خصوصی نگهداری نمی‌شوند. نوادگان مالک این مجسمه معتقدند با توجه به مشهور شدن این مجسمه احتمال به سرقت رفتن آن افزایش یافته است. «الیزابت مریل» در سال ۱۹۲۸ و در سن ۷۴ سالگی درگذشت. او در سال ۱۸۸۷، چند هفته بعد از مرگ ناگهانی همسرش، صاحب دختری به نام «سالی» شد. او در سال ۱۸۹۱ پسرش و در سال ۱۹۰۴ دخترش «سالی» را به علت بیماری از دست داد. «مریل» در سال ۱۹۰۸ سفارش ساخت مجسمه یادبودی را به «رودن» داد. این مجسمه که در طول سال‌ها با عناوین مختلفی همچون «مادر و دختر درحال مرگ» شناخته شده است، وقتی «رودن» در سال ۱۹۱۷ درگذشت ناتمام باقی ماند. بیچ و خم‌های طبیعی روی سنگ دو شخصیت داخل مجسمه را دربر گرفته و تصویری را ایجاد کرده که گویی این دو یکدیگر را در دریای طوفان‌زده در آغوش گرفته‌اند. «لو بلی» که کارشناس آثار «رودن» است می‌گوید با تصمیم خانواده «مریل» مخالف است. او همچنین به این موضوع اشاره کرده که بازار جهانی برای خرید مجسمه گورستان محدود است و در برخی از فرهنگ‌ها تمایلی برای خرید آن وجود ندارد. «لو بلی» همچنین بیان کرد تقریباً تمامی مجسمه‌های واقع در گورستان‌های اروپا که توسط «رودن» ساخته‌شده‌اند به عنوان هنر عمومی نگهداری شده‌اند. انتظار می‌رود این مجسمه «رودن» به قیمت ۲۵هزار الی ۴۰۰هزار دلار فروخته شود.

پایان مهلت ارسال آثار به جشنواره موسیقی فجر



مهلت ارسال آثار در بخش رقابتی و غیررقابتی سیی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر طبق اعلام قبلی به اتمام رسید. به گزارش ایسنا به نقل از ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر، فراخوان بخش رقابتی و غیررقابتی این دوره از جشنواره که ثبت‌نام از آن ابان‌ماه آغاز شده بود، یکم دی‌ماه به پایان رسید. با پایان یافتن مهلت ارسال آثار، در بخش غیررقابتی ۱۴۸ گروه درخواست حضور داشته‌اند و همچنین در بخش رقابتی نیز ۱۱۴ آلبوم ارسال شده است که توسط هیأت انتخاب آثار و گروه‌ها مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. سی‌وهفتمین جشنواره موسیقی فجر هم‌زمان و در گرامیداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران از تاریخ ۲۴ تا ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۰ به دبیری حسن ریاحی در بخش‌های رقابتی (جایزه باربد) و غیررقابتی برگزار می‌شود و جایزه ترانه، جایزه موسیقی و رسانه و نشست‌های پژوهشی برنامه‌های دیگر این دوره از جشنواره خواهد بود.

راعی تصویربرداری «جشن سربرون» را تمام کرد



تصویربرداری سریال «جشن سربرون» به کارگردانی مجتبی راعی و تهیه‌کنندگی حسن تجاربان به اتمام رسید. به گزارش ایسنا، آخرین لوکیشن اصلی سریال «جشن سربرون»، شهرک غزالی و بیابان‌های خواران بود که ساکنان‌های جنگی که مدت پنج روز در این بیابان ضبط شد. داستان «جشن سربرون» این چنین است: بهادر کدخدای ایل پوسان با کدخدای طایفه همسایه سرخو رقابت و مخالفتی دیرینه دارد. مدتی است آتش کینه‌ها خاموش شده است تا اینکه سرخو با اعتماد به نفس به خواستگاری دختری زیبا و کم سن و سال بهادر چسپنند می‌آید. غافل از اینکه قرار است مدتی بعد جهان پسندد به عقد همسرعموش درآید. بهادر قاطعانه با این وصلت مخالفت می‌کند. زخم‌های کهنه سرزبان می‌کنند. هر دو طایفه از کدخدای خود حمایت می‌کنند. درگیری ابعاد بزرگتری می‌یابد و بهادر تلاش بزرگی را آغاز می‌کند. حسین محبوب، محمود پاک‌بندت، لاله اسکندری، فرخ نعمتی، قاسم زارع، داروش کاردان، میرطاهر مظلومی و رامین ناصر‌نصیر از بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند. سریال ۳۵ قسمتی «جشن سربرون» به سفارش سیما فیلم تولید شده است و به روایت دوران قبل از مشروطه می‌پردازد.

گزارش

کریمسن در قسه‌ها

«کریمسن» موضوع و فضای غالب بسیاری از آثار محبوب و پرطرفاز دنیای ادبیات بوده است. در ادامه نگاهی داریم به برخی از آثار مشهوری که با محوریت این موضوع به نگارش درآمده‌اند. به

گزارش ایسنا، «چارلز دیکنز» نویسنده نام‌آشای انگلستانی خالق یکی از مشهورترین رمان‌هایی است که با موضوع و محوریت کریمسن نوشته شده است: «سرود کریمسن». این رمان نخستین‌بار در ۱۹ دسامبر سال ۱۸۴۳ منتشر شد. «دیکنز» که برای تحویل دادن این کتاب به ناشر زمان کوتاهی در اختیار داشت برای نگارش این اثر از بسیاری از جزئیات زندگی واقعی خود استفاده کرد. او در این کتاب، داستان پیرمرد کج‌خلقی به نام اسکرودج را روایت می‌کند که در ادامه داستان با سه روح ملاقات می‌کند. هر کدام از این روح‌ها، اسکرودج را به کریمسن‌های گذشته، حال و آینده می‌برند. «نامه‌هایی از طرف بابائونل» نوشته «جسی. آر. آر. تالکین» خالق «رباب حلقله‌ها» و «هابیت» نیز با همین موضوع به نگارش درآمده است. فرزندان «تالکین» در سال در ماه دسامبر نامه‌هایی از طرف بابائونل دریافت می‌کردند که در آن‌ها از تجربیاتش در کریمسن سخن گفته بود. تمامی این نامه‌ها در قالب یک مجموعه داستان در کتاب «نامه‌هایی از طرف بابائونل» گردآوری شدند. «دخترک کبریت‌فروش» نوشته «هانس کریستین اندرسن» را اغلب ما خوانده‌ایم. داستان دخترک فقیری که کبریت می‌فروشد و در سرتاجم به سرما جانش را از دست می‌دهد. دخترخچه این داستان برای گرم شدن کبریت روشن می‌کند و با روشن شدن هر کبریت در شعله آن تصویری از درخت روشنمنی یا شام و جشن تعطیلات را می‌بیند. پایان این داستان بسیار فم‌انگیز است، با این حال به نظر می‌رسد نویسنده معتقد است از آن جایی که دخترک به بهشت راهی می‌شود، داستان پایان خوشی دارد. «دخترک کبریت‌فروش» داستانی فراموش‌نشدنی از قدرت تصور و خیال است که می‌تواند انسان را همچون آتش گرم کند. «قطار سریع‌السیر قطبی» نوشته «کریس وان آلبرگ» داستان پسریرچه‌ای را روایت می‌کند که در نیمه‌شب با صدای قطاری که در نزدیکی خانه او متوقف شده بیدار می‌شود. این قطار ملو از کودک است و همه آن‌ها را برای ملاقات بابائونل به قطب شمال می‌برد. با اقتباس از این رمان یک انیمیشن توسط رابرت زکمیس ساخته شده است. «قطور گرینچ کریمسن را دزدید» نوشته «دکتر زوس» داستان شخصیت بدخلقی به نام گرینچ را روایت می‌کند که از کریمسن نفرت دارد. «دکتر زوس» که مهارت بالایی در گنجاندن درس‌های عمیق زندگی در داستان‌هایش دارد در این کتاب نیز نشان می‌دهد کریمسن یک تجربه غیرمادی و روحی است.